



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهش‌های فلسفی و کوربینی؛ دو سودا زده شرق اسلامی

مقاله

ولی بعداً تحت تأثیراتی بین ژیلسون به مطالعه در تفکر قرون وسطایی و خاورشناسی کشانده شد. در ۱۳۰۸ به تشویق لویی ماسینیون، تحقیق درباره سهروردی را آغاز کرد و پس از آن برخی از آثار مارتین هایدگر را به فرانسوی برگرداند. بعد به استانبول رفت و در محضر هلموت ریتز به مطالعه پرداخت. پس از آن به ایران آمد و با استادان و پژوهندگان ایرانی آشنایی یافت و به مطالعات خود درباره تشیع، کلام و فیلسوفان ایرانی و عارفان فیلسوف ادامه داد. انجمن ایران‌شناسی فرانسه را در تهران تشکیل داد و با همکاری روانشاد دکتر محمد معین و چند محقق دیگر، بسیاری از متون کهن عرفان ایرانی را تصحیح و چاپ کرد. ولادیمیر الکسیویچ ایوانف در ۱۸۸۶ (۱۲۶۵ ش) متولد شد و در ۱۹۷۰ (۱۳۴۹) در تهران درگذشت. در آغاز در سنت پترزبورگ در

در سال ۱۳۷۸ در پاریس کتابی منتشر شد با عنوان **مکاتبات کوربین - ایوانف** که گردآورنده آن دختری آلمانی است به نام زابینه اشمیتکه،^۱ که در بیت المقدس، لندن و آکسفورد تحصیل کرده و در رشته مطالعات مربوط به تشیع کهن صاحب نظر شده است. او پیش از این دو کتاب به انگلیسی با عنوان **الهیات علامه حلی** (برلن، ۱۳۷۰) و **یک معتقد معتزلی به نام زمخشری** (اشتوتگارت، ۱۳۷۶) منتشر کرده است. یعنی می‌توان گفت که با تشیع آشنایی دارد و همین آشنایی او را متوجه هانری کوربین و فعالیت‌های او کرده که مکاتبه با ایوانف و دیدار با او در تهران از آن جمله است.

هانری کوربین در سال ۱۹۰۳ (۱۲۸۲ ش) متولد شد و در سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) درگذشت. او در آغاز تحصیل به فلسفه روی آورد،



روح و فلسفه

انقلاب روسیه در ماوراءالنهر به سر می برد، لذا دیگر به روسیه بازنگشت. در حدود سال ۱۳۰۰ ش در مقام مترجم به خدمت دولت انگلیس درآمد و کمی بعد تابعیت آن دولت را کسب کرد. مدتی در کلکته به سر برد و در ۱۳۰۹ به بمبئی رفت و «انجمن تحقیقات اسماعیلی» را بنیان نهاد که در ۱۳۲۵ جای خود را به «انجمن اسماعیلیه»، داد، و حاصل بیشتر تحقیقات خود را به وسیله همین انجمن منتشر کرد. در ۱۳۳۸ پس از تقریباً چهل سال زندگی در هندوستان برای بار سوم به ایران آمد و برای همیشه در تهران ماند و در همین شهر درگذشت.

ایوانف از طریق نشریات علمی روزگار خود با آثار و فعالیتها و احوال هانری کوربن آشنا شده بود و ایران در مقام «خاستگاه» اسماعیلیه همواره توجه و کنجکاویش را جلب می کرد، به ویژه

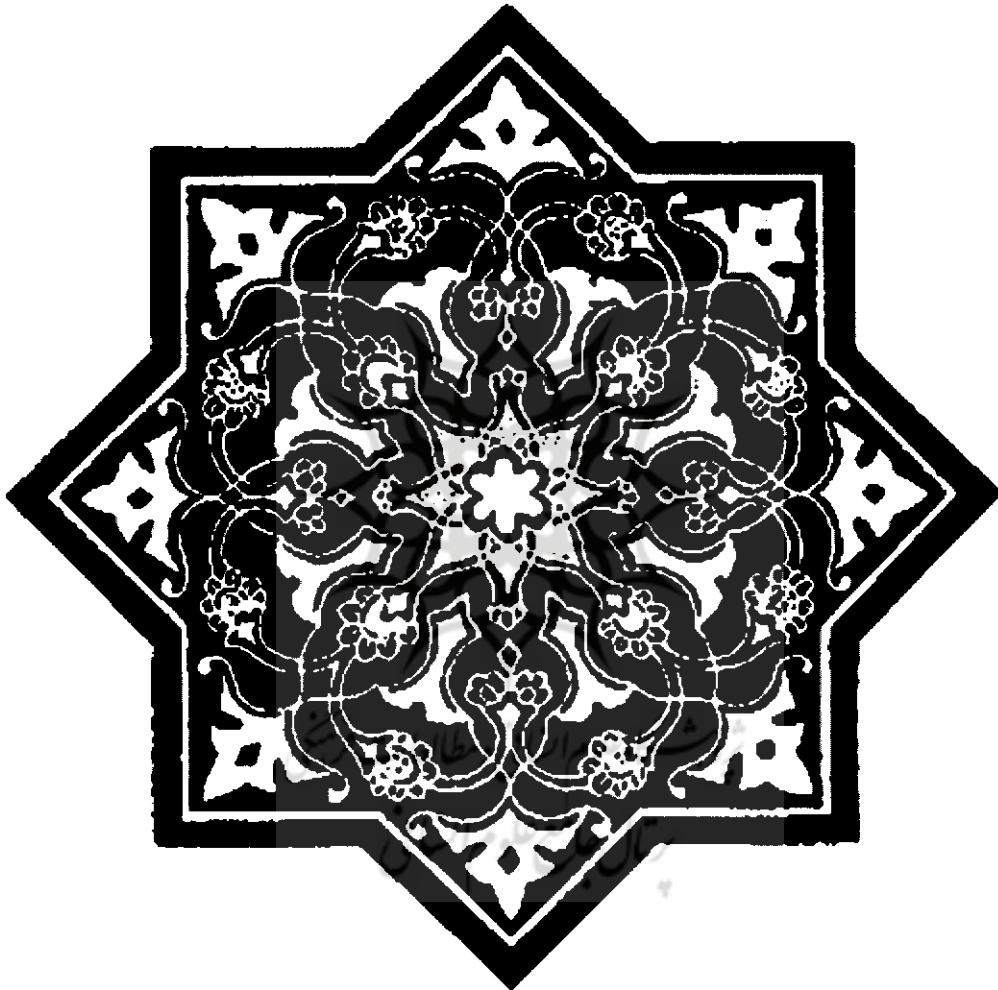
رشته های عربی، فارسی و سانسکریت تحصیل کرد. بعد از آن در شعبه نسخه های خطی شرقی موزه فرهنگستان علوم آن شهر به کار پرداخت و بامتون اسماعیلی آشنایی یافت. در زمان بروز

که بسیاری از متون اسماعیلی یا متون مرتبط با اسماعیلیه (موافق و مخالف) به طور پراکنده در ایران یافت می شدند و ایوانف برای تکمیل تحقیقات خود به آنها نیاز داشت و چون به خوبی کسی از ایرانیان را نمی شناخت برای دستیابی به آنها دست به دامان کورین شد. اما برای گشودن باب آشنایی دو جلد از انتشارات انجمن اسماعیلیه را که تازه بنیان نهاده بود برای او فرستاد.

از آن هنگام تماس و مکاتبات این دو دانشمند محقق دوران خانه و دیار به مدت بیست سال (۱۳۲۶ تا ۱۳۴۵) ادامه یافت که رونوشت برخی از این مکاتبات در میان نوشته های کورین برجای مانده است و همین رونوشتهاست که به کوشش خانم اشمیتکه

سهمی است که در شناساندن اخلاق، اندیشه ها و آرای نویسندگانشان دارند. به این معنی که در این نامه ها با دو شخصیت علمی بزرگ دنیای خاورشناسی سر و کار می یابیم که یکی از آنان (هانری کورین در ایران) از رفاه و آرامش خاطر و آزادی عمل و احترام کامل برخوردار است، و دیگری (ولادیمیر ایوانف) که دست سرنوشت او را به بمبئی تبعید کرده است و سر و کارش با «رئیسان» کوتاه اندیش، خودمحورین، بی سواد و بهره کش افتاده است... و در باطن به همتای فرانسوی خود رشک می برد.

باید دانست که ایوانف به انگلیسی (زبان غیرمادری) می نوشته و کورین به فرانسوی به او پاسخ می داده است. این



مجموعه حاوی ۸۹ نامه است: ۷۴ نامه از ایوانف که نه نامه برای خانم استلا همسر کورین نوشته شده و ۱۵ نامه از کورین است. گردآورنده هر جا که لازم دیده یادداشت هایی بر حاشیه نامه ها افزوده است و برای تکمیل فایده، شرح حال مختصر بیشتر کسانی را که در نامه ها از آنان نام برده شده در آخر کتاب آورده است. نمایه اسامی اشخاص و صورتی از عنوانهای کتابها هم به پایان این مجموعه افزوده شده که موجب مزید سودمندی آن است.

در پایان برای آگاهی از محتوای کتاب ترجمه فارسی دو فقره از نامه ها نقل می شود.

به صورت کتاب درآمده و چاپ شده است (نگارنده این کتاب را ترجمه کرده است که همین روزها به همت کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی با همکاری مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران منتشر خواهد شد).

مکاتبات ایوانف - کورین در دوره ای خاص که از جهات مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی در تاریخ ایران منحصر به فرد است صورت گرفته، هر چند که در آنها عمدتاً به امور ادبی و فرهنگی و مخصوصاً نسخه شناسی پرداخته شده و کمتر از مسائل سیاسی و اقتصادی سخن به میان آمده است... اهمیت این نامه ها در چند وجه نهفته است که مهم ترینشان

از طریق دو جلد کتاب کوچک که در اینجا به دانشگاه رسیده‌اند، دریافتیم که شما «انجمن اسماعیلیه» / Ismaili Society را تأسیس کرده‌اید. با تمام وجود این ابتکار را تحسین می‌کنم و می‌خواهم نظر خود را در مورد علاقه‌ام به عضویت در این انجمن به اطلاعاتتان برسانم. مسئله حق عضویت راهم به وسیله دوستانی که با هند ارتباط دارند حل می‌کنم. آقای کاشین / Kashin، کتابفروش طرف معامله ما که در کار خاورشناسی است، مدتها قبل به من خبر داد که بسته‌ای از انتشارات شما را دریافت کرده است. اما برای خود ما چیزی نرسیده و دارم نو می‌دهم. می‌باید یک راه عملی پیدا کنیم تا از آن طریق همه انتشارات قدیم و جدید شما به اینجا برسند، می‌توان در صورت لزوم از طریق تبادل عمل کرد. اما آیا اداره پست خوب و درست کار می‌کند؟

در جریان دیداری که اخیراً با استاد سعید نفیسی داشتم فهمیدم که شما بر سر راه سفر به قاهره، که برای ایواد سخنرانیهایی به آنجا دعوت شده‌اید، شاید در همین پاییز در تهران توقیفی داشته باشید. این خبر مرا بسیار شادمان کرد و آرزوی منم که بتوانید این برنامه خوب را تحقق ببخشید. من چندین شایق دیدار شما هستم که می‌خواهم از شما بخواهم که در صورت امکان تاریخ عبور خود را از تهران به من اطلاع بدهید. حقیقت این است که در ماههای شهریور و مهر باید چند هفته‌ای به مشهد بروم و دوست دارم که تاریخ این سفر را با تاریخ ورود شما به تهران تعیین کنم، زیرا از اینکه دیدار شما را از دست بدهم بی‌اندازه اندوهگین خواهم شد. در واقع خیلی حرفها خواهم داشت که به هم بگویم و برنامه‌هایی با هم طرح در اندازیم. ما در مقام خاورشناس به خاور زمین تبعید نشده‌ایم. اما در عین حال لازم است که گهگاه برای گفت‌وگو از پژوهشیمان، همدیگر را ببینیم.

من دقیقاً در آذرماه گذشته سه هفته را در قاهره گذراندم تا یادداشتهایی را که همکار فقیدمان، بل کر اوس، برج گذاشته بود، مرتب کنم. در این مناسبت فرصت یافتم تا گفت‌وگویی خوبی با دوستان کامل حسین صورت دهم. او سخت سرگرم کار بود، اما آن کار واقعاً خسته کننده و سخت است و از خود می‌پرسم که با آب و هوای قاهره آیا یک عمر برای به سامان رساندن آن بسنده خواهد بود؟ امیدوارم که دوستان اسماعیلی ما بتوانند به رغم همه احتیاط کاریهایی که ضرورت می‌یابند کمابیش اهمیت فراوانی را که تفکرشان در میان فیلسوفان کسب کرده است، درک کنند.

امیدوارم که این اولین نامه‌ای که برایتان می‌فرستم، به دستتان برسد. با ابراز امید خود به اینکه همکاری زاینده و سازنده‌ای در آینده میان ما برقرار شود و در آرزوی دیدار آینده شما در تهران، جناب استاد و همکار گرامی خواهشمندم احساسات بسیار صمیمانه و مخلصانه ارادت‌مند را بنویسید.

از نامه محبت آمیزتان و از وعده‌ای که داده‌اید که تصویر بزرگ شده متن پندیات را برایم بفرستید بی‌اندازه سپاسگزارم. ما همچنین از بابت ارسال مجموعه تصویرهای عکسی همه آن نسخه خطی بی‌نهایت ممنون خواهیم بود و خوشحال خواهیم شد که هزینه‌های مربوط به تدارک آنها را پرداخت کنیم.

من چاپ یک جزوه کوچک هشتماد صفحه‌ای را درباره بررسی فشرده تحولات اسماعیلی گری به تازگی به پایان رسانده‌ام و در ظرف چند روز آینده، پس از آنکه صحافی شد، نسخه‌ای از آن را برایتان خواهم فرستاد. اکنون قصد دارم نسخه‌ای برای آقای ماکس بفرستم همراه با این خواهش که ترجمه آن را به فرانسوی نقل کند. زیرا انجمن اسماعیلیه مایل است این کتاب به فرانسوی و عربی هم ترجمه شود. آقای ماکس محبت کرد و نامه مرا به شماره رساند. من اکنون در حال حروفچینی ترجمه پندیات هستم و امیدوارم که تمام کار را تا قبل از پایان امسال به اتمام برسانم و پس از آن متون اهل حق را تکمیل کنم. بسیار خوشحال خواهم شد که از نظر انتقادی شما درباره آن جزوه‌ام آگاه شوم. من از آن مؤلفان هستم که هرگز از کارهای خود، پس از آن که به چاپ رسیدند، راضی نیستند و فقط بعد از گذشت مدتی درمی‌یابند که کارشان چندان بد هم نبوده است. من واقعاً ترجیح می‌دهم پیش از آنکه این جزوه ترجمه بشود اصلاحاتی در آن صورت دهم، اما دوستانم بر مبنای یک ضرب‌المثل فرانسوی که «کار ناقص بهتر از کاری است که هرگز صورت نگرفته» مخالف هستند. نمی‌دانم، شاید حق با آنان باشد.

لطفاً بهترین دروهای مرا به خانم کوربن برسانید. بسیار خوشحال خواهم شد که همه شما را یک بار دیگر ببینم و گفت‌وگویی آرامی درباره بسیاری از موضوعها و برنامه‌ها انجام دهم. اما این حوادث ناخوش ایران به احتمال خیلی قوی تا مدت‌ها و به رغم علاقه شدید من اجازه دیدار دوباره از آن کشور را نخواهند داد. من هنوز باید خیلی کارها در آنجا بکنم، هم در زمینه مطالعات فرقه‌ای و شناخت مذاهب کوچک و هم در باب فقه اللغة. استنساخ شمس شما به زودی تمام می‌شود، کتاب می‌گوید که بیشتر از دو بیست صفحه آن آماده است، اما من هنوز آنها را در اختیار نگرفته‌ام. به هر حال او در ماه محرم و به واسطه مراسم مربوط به آن هیچ کار نکرد، اما اکنون امیدوارم که کار را به زودی تمام کند.

همراه با بهترین احترامات

ارادت‌مند صمیمی

دبلیو آی

پانوشها: